



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

اتاشایبر

# پاریس زیرزمینی

خاطرات یک زن امریکایی از پاریس  
در دوره‌ی اشغال در جنگ جهانی دوم

۱۹۴۳

با همکاری آن و پل دوپره

ترجمه‌ی شهلا طهماسبی

- جهان‌نو -

www.chandash.com

021-88888888

021-88888888

021-88888888

## فرار از اروپا

من با اروپا وداع نکرده‌ام. وقتی کشتی راه افتاد روی عرشه نبودم. موتورهایش به قدری آرام و بی صدا کار می‌کردند که من تا مدتی بعد از حرکت آن متوجه نشدم. آن وقت روی عرشه رفتم تا عبور کشتی را از رودخانه‌ی پهناور تاگوس<sup>۱</sup> و خانه‌های رنگارنگ و بی‌نظم و ترتیب ساحل ببینم، اما کشتی لیسبون را پشت سر گذاشته بود.

با این که از روی عرشه خشکی دیده نمی‌شد، می‌دانستم که پشت سرمان ساحل پرتغال است اما در تیرگی هوای شامگاهی مخفی شده بود. دریا خاکستری و تیره بود. موتورهای کشتی ما با سرعتی یکنواخت امواج را درمی‌نوردیدند و ما را به سوی امریکا پیش می‌بردند.

هوا ابری بود. شب شد اما ستاره‌ای در آسمان نبود که بر ظلمات دریا نوری بیفکند. فقط کشتی ما فضای تیره را روشن می‌کرد. می‌دانستم همه‌ی کشتی‌ها، بی‌آن که چراغ‌های خود را روشن کنند، بی صدا در امواج سیاه پیش می‌روند، اما نورافکن‌های پُر قدرت کشتی ما روشن بود. وقتی کمی خم شدم بر بدنه‌ی سفید آن حروف سیاه درشتی را دیدم: Diplomat-Drottningholm-Diplomat، و فهمیدم که چرا فقط ما جرئت داشتیم با چراغ‌های روشن از کنار کشتی‌های جنگی وزیر دریایی‌ها و هواپیماها عبور کنیم. امنیت کشتی دروتنینگهلم<sup>۲</sup> از دو سو تضمین شده بود؛ اول این که افسران

1. Tagus

2. Drottningholm